

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر پاراشای هفته: بو ۵۷۷۹

علیه خدایان آنها

ربای لرد جانانان ساکس

Against Their Gods (Bo 5779)

7th January 2019

ضربت نهم، تاریکی، پوشیده در ظلمات خود از راه می رسد.

این ضربت در این میانه چه می کند؟ در نگاه نخست، خارج از روال به نظر می رسد. تا اینجا هشت ضربت فرود آمده اند، هر یک با شدتی بالاتر و بی امان تر از ضربت پیشین. دو ضربت نخست، یعنی به سرخی خون در آمدن رود نیل و آفت قورباغه ها بیشتر شبیه نشانه بودند و نه هر چیز دیگری. ضربت های سوم و چهارم، هجوم شپش و درندگان وحش، نگرانی برانگیختند و نه بحران. ضربت پنجم، طاعونی که چارپایان را کشت، روی جانوران تاثیر گذاشت و نه روی انسان ها.

ضربت ششم، دمل های چرکین، همچنان آزاردهنده بود، اما جدی به شمار می رفت و دیگر نه یک امر خارجی، که یک بلای جسمانی بود. (به یاد بیاورید که ایوب همه دارایی خود را از

دست داد، اما لعنت فرستادن به سرنوشت خود را شروع نکرد، مگر وقتی بدنش پوشیده از دمل های متورم شد: ایوب ۲). ضربت های هفتم و هشتم، تگرگ و هجوم ملخ ها، غلات مصریان را نابود کردند. اینک - با مزید علت شدن غلات به تلف شدن چارپایان در ضربت پنجم - دیگر غذایی وجود نداشت. هنوز مانده بود تا ضربت دهم، مرگ نخست زادگان در مقابله به مثل با کشتن نوزادان بنی اسرائیل توسط فرعون، از راه برسد. این ضربت است که سرانجام تصمیم فرعون را درهم خواهد شکست.

پس انتظار می رود که ضربت نهم به راستی بس سهمگین باشد، ضربتی که زندگی انسان ها را تهدید کند، حتی اگر بیدرنگ جان آنها را نگیرد. با این حال، آن چه می خوانیم به یک افت در سیر رویدادها می ماند:

"سپس خداوند به موسی گفت: دستهایت را به سوی آسمان بلند کن تا تاریکی سراسر مصر را فراگیرد - یک تاریکی که احساس شود". پس موسی دست هایش را به سوی آسمان بلند کرد و تاریکی مطلق سراسر مصر را برای سه روز دربرگرفت. طی سه روز، کسی نمی توانست دیگری را ببیند و یا مکان خود را ترک کند. اما همه افراد بنی اسرائیل در سکونتگاه های خود نور داشتند. (خروج ۲۳-۲۱: ۱۰).

تاریکی آزاردهنده است و نه بیش. عبارت "یک تاریکی که احساس شود"، نشان می دهد که چه اتفاقی افتاد: یک خمسین یا توفان شن داغ که در مصر پدیده ناآشنایی نیست و می تواند چندین روز ادامه یابد و هوا را چنان پر از شن و غبار سازد که جلوی نور خورشید را بگیرد. معمولاً خمسین با باد جنوبی که از بیابان صحرا برخاسته و در مصر وزیدن می گیرد، به راه می افتد. اغلب، شدیدترین توفان شن، اولین توفان شن فصل در ماه مارچ است. این با زمانبندی ضربتی که اندکی پیش از مرگ نخست زادگان در پسخ رخ داد، همخوانی دارد.

ضربت نهم بی تردید از نظر شدت، غیرعادی بود، اما رویدادی نبود که یکسره برای مصریان ناآشنا بوده، پیشتر رخ نداده باشد. اما چرا در روایت ضربت ها درست پیش از فراز آن رخ می دهد؟ چرا همچون یکی از ضربت های خفیف تر، اندکی نزدیک تر به آغاز روایت روی نداد؟

پاسخ در سطری از "دینو"، سرودی که در بخشی از هگادا می خوانیم، نهفته است: "اگر خداوند بر آنان [مصریان] مجازات نازل کرده، ولی بر خدای وارگان آنها حکمی فرود نمی آورد، باز هم کافی بود". متن توراها دو بار به این بُعد از ضربت ها اشاره می کند:

"در آن شب از مصر عبور خواهم کرد و همه نخست زادگان را در مصر خواهم کشت، از انسان و حیوان. من حکم مجازات علیه همه خدای وارگان مصر اجرا خواهم کرد." (خروج ۱۲:۱۲)

"مصریان به خاکسپاری همه نخست زادگان خود که به ضربت خداوند دچار شده بودند، پرداختند؛ و خداوند علیه خدای وارگان آنها مجازات نازل کرد." (اعداد ۳۳:۴)

این گونه نبود که از ابتدا همه ضربت ها خودِ مصریان را نشانه بگیرد. برخی از ضربت ها چیزهایی را نشانه گرفتند که مصریان آنها را همچون خدای وارگان خود پرستش می کردند. دو ضربت اول این چنین بودند. در مصر باستان، رود نیل با نام خدای واره هاپی فردیت یافته بود و همچون منشاء باروری در منطقه ای که بدون آن بیابان می بود، پرستش می شد. در زمان هایی که آب رود نیل طغیان می کرد، برای آن قربانی داده می شد. طغیان ها نیز به یک خدای واره اصلی مصریان به نام اوزیریس نسبت داده می شد. ضربت قورباغه ها می توانست برای مصریان هکت را تداعی کند: خدای واره ای مونث که به باور مصریان هنگام تولد نوزادان به شکل قابله حضور می یافت و با شمایل زنی تصویر می شد که سر قورباغه داشت.

ضربت‌ها فقط جهت مجازات فرعون و مردم او برای ستم به بنی اسرائیل نازل نشدند، بلکه همچنین در پی نشان دادن ناتوانی خدای وارگان مورد باور مصریان بودند. آن چه در این رویارویی مطرح است، تفاوت میان اسطوره - که در آن خدای وارگان تنها قدرت‌های موجود بوده، باید خشم آنها را فرونشاند، آنها را به رحم آورد و یا فریب داد- با یکتاپرستی تورا بود که بر اساس آن اخلاق (عدالت، شفقت و حرمت انسانی) نقطه دیدار خداوند و نوع بشر را شکل می‌دهد.

نمادپردازی این ضربت‌ها که اغلب از چشم ما دور می‌مانند، می‌توانست بیدرنگ برای مصریان آشکار بشود. اینک دو امر روشن می‌شوند. نخست آن که چرا جادوگران مصری تنها پس از ضربت سوم، شپش، اعلام کردند: "این انگشت خدا است" (خروج ۸:۱۵). دو ضربت نخست برای آنها تعجب‌آور نبودند. آنها آن دو ضربت را می‌توانستند کار خدای وارگان مصری بدانند که به باور آنها گاه بر مردم خشمگین می‌شدند و از آنها انتقام می‌گرفتند.

دوم آن که، دو ضربت اول، نمادپردازی‌های بس متفاوتی برای بنی اسرائیل و از دید ما داشتند. چنان چه در مورد ضربت دهم صادق است، اینها فقط معجزه‌هایی نبودند برای نشان دادن قدرت خدای اسرائیل، چنان چه گویی دین، یک میدان نبرد گلا دیاتوری برای برنده شدن خدای قوی‌تر باشد. معنای آنها اخلاقی بود. آنها اساسی‌ترین اصول اخلاقی را نمایندگی می‌کردند که در عهد نوح با این کلمات آمده بود: "آن کس که خون انسانی را بریزد، باید خون او توسط انسان ریخته شود" (پیدایش ۹:۶). این قاعده عدالت تلافی و مقابله به مثل است: همان که انجام داده‌ای باید بر سر خودت بیاید.

فرعون ابتدا با دستور دادن به قابله‌ها برای کشتن همه نوزادان پسر بنی اسرائیل و سپس وقتی آن فرمان شکست خورد با این دستور که "هر نوزاد پسر که به دنیا می‌آید باید به رود نیل افکنده شود" (خروج ۱:۲۲)، آن چه را که می‌بایست نمادهای زندگی باشند (نیل که سیراب

کننده کشاورزی مصر بود و قابله‌ها) به عوامل مرگ تبدیل کرد. رودخانه که به خون بدل گشت و قورباغه‌های شبیه هکت که زمین را آلودند به معنای دقیق کلمه مصیبت نبودند، بلکه پیام‌هایی رمزگونه بودند که گویی به مصریان می‌گفتند: واقعیت، یک ساختار اخلاقی دارد. ببینید چه طعمی دارد وقتی خدای وارگانی که علیه بنی اسرائیل واداشتید، برضد خود شما ایستادند. قدرت‌های طبیعت اگر جهت هدف‌های شرورانه به کار بروند، انسان را هدف خواهند گرفت، به گونه‌ای که آنچه انجام داده، در مقابله به مثل، بر سر خودش خواهد آمد. در تاریخ عدالت هست.

از این رو است که همه ضربت‌های دیگر در برابر ضربت دهم تنها یک پیش‌درآمد بودند. برخلاف دیگر ضربت‌ها، اهمیت آن حتی پیش از رفتن موسی به ماموریت و زمانی که او هنوز در مدیان با بی‌ترو زندگی می‌کرد، بر او آشکار شده بود:

تو به فرعون خواهی گفت: این است کلام خداوند. اسرائیل فرزند من و نخست‌زاده من است. به تو گفته‌ام بگذار فرزندم برود و مرا پرستش کند. اگر از رفتن او جلوگیری کنی، من نخست‌زاده خودت را می‌کشم." (خروج: ۲۳-۲۲: ۴)

همان‌گونه که دو ضربت اول، بازنمایی نمادین قتل فرزندان بنی اسرائیل توسط مصریان بودند، ضربت دهم، اجرای عدالت مقابله به مثل بود، چنان‌چه گویی آسمان به مصریان می‌گفت: شما قتل فرزندان بیگناه بنی اسرائیل را اجرا یا حمایت کردید و یا در برابر آن بی‌تفاوت ماندید. تنها یک راه هست که برای همیشه از خطایی که کردید، رها شوید آن هم وقتی است که خود شما از همان کاری که در حق دیگران کردید، رنج ببرید.

این نیز به تشریح تفاوت میان دو واژه که توراها بارها برای توصیف آنچه خداوند در مصر کرد، کمک می‌کند: *اوتوت او مُفْتِیم*، "نشانه‌ها و اعجازها". این دو واژه دو روش برای بیان یک امر یعنی معجزه‌ها نیستند. آنها دو امر یکسره متفاوت را توصیف می‌کنند. یک مُفْتِ یا اعجاز

در واقع یک معجزه است. و *اوت* به معنای نشانه، امر دیگری است: یک نماد (مانند تفیلین یا ختنه که هر دو *اوت* نامیده شده اند)، به معنای ارتباط گیری رمزگونه، پیام.

اینک اهمیت ضربت نهم آشکار می شود. بزرگ ترین خدای وارهٔ معبد مصر را یا ره بود: خدای آفتاب. نام فرعون که اغلب در ارتباط با خروج برده می شود، رامسس دوم، یعنی میس یا "پسر" (مانند نام موسی) خدای را. بنا به باور مردم مصر، این سرزمین زیر فرمانروایی آفتاب بود و فرمانروای انسانی آن یا فرعون، یک نیمه خدا و فرزند خدای آفتاب به شمار می رفت.

بنابر اسطورهٔ مصری، در ابتدای زمان، خدای آفتاب به همراه نون یا آب های اولیه فرمانروایی می کرد. سرانجام، خدایان بسیاری پدید آمدند. سپس خدای را توسط اشک های خود انسان ها را خلق کرد. اما چون دید که آنها فریبکارند، خدای مونث هاتور را برای نابودی آن ها فرستاد؛ تنها تعداد کمی زنده ماندند.

ضربت تاریکی نه یک مُفِت، بلکه یک *اوت* یا نشانه بود. تاریک شدن آفتاب این پیام را رساند که نیرویی برتر از خدای را وجود دارد. اما آن چه این ضربت نمایندگی می کرد، کمتر برتری خداوند بر آفتاب، بلکه بیشتر، رد خدای تمدنی بود که یک انسان یعنی فرعون را به فرمانروایی خودکامه (پسر خدای آفتاب) با قدرت برده ساختن انسان های دیگر تبدیل کرده بود؛ و رد فرهنگی که کشتن کودکان را می پذیرفت، زیرا خدای را، خودش چنین کرده بود.

وقتی خداوند به موسی گفت: "فرزندم، نخست زاده ام، اسرائیل"، یعنی می گفت: من خدایی هستم که مراقب کودکان می باشم نه خدایی که فرزندان خود را می کشد. ضربت نهم، کنش ارتباطی خداوند بود که گفت: تنها تاریکی فیزیکی وجود ندارد، تاریکی اخلاقی نیز هست. بهترین آزمون برای یک تمدن آن است که ببینیم با کودکان خود و دیگران چگونه رفتار می کند. در دوران کانون های خانوادگی شکسته و کودکان فقرزده و نادیده انگاشته شده و بدتر

آن - استفاده از کودکان همچون ابزارهای جنگی - این درسی است که ما هنوز باید بیاموزیم.
شبات شالوم.

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیگر آثار ریای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است ● دفتر ریای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان